

و سرانجام با این جمله خط بطلان بر پندارهای خرافی آنها می کشد:
 «خداوند برتر است از آنچه آنها می گویند و برای او شریک قائل می شوند»
 (فتعالی عما یشرکون).
 پایان این آیه کاملاً شبیهه پایان آیه ۱۸ سوره یونس است در آنجا نیز
 می خوانیم سبحانه و تعالی عما یشرکون و این نشان می دهد که هر دو آیه یک
 مطلب را دنبال می کند.
 این جمله ضمناً تهدیدی برای مشرکان است که خداوند از اسرار درون و
 برون آنها آگاه است و تمام این سخنان را می داند و به موقع آنان را در دادگاه
 عدل خویش محاکمه و مجازات خواهد کرد.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۰۴

آیه ۹۳-۹۸

آیه و ترجمه

قل رب اما ترینی ما یوعدون ۹۳
 رب فلا تجعلی فی القوم الظلمین ۹۴
 و انا علی اءن نریک ما نعدهم لقدرون ۹۵
 ادفع بالتی هی اءحسن السیئة نحن اءعلم بما یصفون ۹۶
 و قل رب اءعوذ بک من همزت الشیطین ۹۷
 و اءعوذ بک رب اءن یحضرون ۹۸

ترجمه :

۹۳ - بگو پروردگارا! اگر بخشی از عذابهایی را که به آنها وعده داده شده به
 من نشان دهی...
 ۹۴ - پروردگارا! مرا (در این عذابها) با قوم ستمگر قرار مده.
 ۹۵ - و ما قادریم آنچه را به آنها وعده می دهیم به تو نشان دهیم.
 ۹۶ - بدی را از راهی که بهتر است دفع کن (و پاسخ بدی را به نیکی ده) ما
 به آنچه آنها توصیف می کنند آگاهتریم.
 ۹۷ - و بگو پروردگارا من از وسوسه های شیاطین به تو پناه می برم.
 ۹۸ - و از اینکه آنان نزد من حاضر شوند نیز به تو پناه می برم ای پروردگارا!

تفسیر:

از وسوسه‌های شیطان به خدا پناه برید

گر چه در این آیات روی سخن به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است، ولی هدف آیات گذشته

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۰۵

را که تهدید کفار و مشرکان لجوج به عذابهای الهی است، تعقیب می‌کند. نخست می‌گوید: «ای پیامبر بگو پروردگارا! اگر بخشی از عذابهایی را که به این گروه سرکش وعده می‌دهی به من نشان دهی...» (قل رب اما ترینی مایعودون).

«پروردگارا! مرا در این عذابها با قوم ستمگر همراه مگردان» (رب فلا تجعلنی فی القوم الظالمین).

تقاضایم این است که هر گاه عذاب قطعی تو دامن اینها را فرو گیرد بر من منت گذار و مرا از این مهلکه برهان که با ظالمان و ستمگران همراه نباشم. بدون شک عمل و برنامه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چیزی نبود که او رامشمول مجازات الهی کند، و نیز بدون شک در قانون عدل الهی هرگز خشک و تر با هم نمی‌سوزند و حتی اگر در یک مملکت عظیم یک نفر خداپرست و وظیفه‌شناس باشد و دیگران به جرم اعمالشان گرفتار عذاب شوند خدا آن یکنفر رانجات خواهد داد.

ولی این دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که به فرمان الهی انجام می‌گیرید به خاطر این است که اولاً به کافران مشرک اخطار کند که مسأله آنقدر جدی است که حتی پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) باید خود رابه خدا بسپارد و نجات را از او بخواهد، ثانیاً تعلیمی است برای همه پیروان این پیامبر که هرگز ایمن از عذاب الهی نباشند و خود را در هر حال به او بسپارند.

و اما اینکه منظور از این عذاب، چه عذابی است؟ بیشتر مفسران معتقدند منظور مجازاتهای دنیوی است که خداوند دامنگیر مشرکان ساخت از جمله شکست

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۰۶

سخت و ضربات کوبنده‌ای بود که در جنگ بدر بر آنها وارد آمد. و با توجه به اینکه سوره مؤمنون مکی است و در آن روز مؤمنان، سخت در فشار بودند این آیات یکنوع دلداری و تسلی خاطر برای آنها بود (نظیر این معنی در سوره یونس آیه ۴۶ نیز آمده است). ولی بعضی از مفسران احتمال داده‌اند که هم عذاب دنیا و هم عذاب آخرت را شامل گردد.

اما تفسیر اول نزدیکتر به نظر می‌رسد. و باز برای تاءکید بیشتر روی این موضوع و نفی هر گونه شک و تردید از دشمنان و دلداری و تسلی خاطر به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مؤمنان در آیه بعد اضافه می‌کند «ما حتما قادریم که آنچه را از عذاب به آنها وعده می‌دهیم به تونشان دهیم» (و انا علی ان نریک ما نعدهم لقادرون). و چنانکه می‌دانیم این قدرت پروردگار در صحنه‌های مختلف بعد از آن تاریخ آاز جمله در صحنه جنگ بدر - به مرحله فعلیت در آمد و ارتشی که در ظاهر بسیار کوچک و کم قدرت بود به فرمان خدا و به نیروی ایمان بر انبوه دشمنان پیروز شد.

سپس به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می‌دهد که با این گروه مداراکن و «بدیه‌های آنها را با عفو و گذشت و نیکی دفع کن، و سخنان نامطلوب آنها را با بهترین منطق پاسخ گو» (ادفع بالتی هی احسن السیئة). در این راه عجله و شتابی نداشته باش و بدان ما به آنچه آنها می‌گویند

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۰۷

و توصیف می‌کنند آگاه‌تریم» (نحن اعلم بما یصفون). می‌دانیم حرکات ناشایست و گفتار خشن و انواع اذیت و آزار آنها تو را ناراحت می‌کند، اما تو وظیفه نداری که در برابر آن خشونت‌ها و زشت‌گوئی‌ها مقابله به مثل کنی، تو بدی را با نیکی پاسخ ده که این خود یکی از مؤثرترین روشها برای بیدار کردن غافلان و فریبخوردگان است. ولی در عین حال باز هم خودت را به خدا بسپار «و بگو پروردگارا! من از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم» (و قل رب اعوذ بک من همزات الشیاطین).

نه تنها از وسوسه‌های اغفال کننده آنها، بلکه «به تو پناه می‌برم از اینکه

آنهانزد من حاضر شوند» (و اعوذ بك رب ان يحضرون).
و در جلسات من حضور یابند که حضورشان نیز اغوا کننده و زیانبار است.
نکته‌ها:

۱ - «همزات شیاطین» چیست؟

«همزات» جمع «همزه» به معنی دفع و تحریک با شدت است، و اگر به حرف همزه، «همزه» می‌گویند، به خاطر آنست که از انتهای گلو با شدت بیرون می‌آید، و به گفته بعضی از مفسران «همز» و «غمز» و «رمز» هر سه یک معنی را می‌رساند، منتهی «رمز» به مرحله خفیف و «غمز» از آن شدیدتر و «همز» نهایت شدت را بیان می‌کند. و با توجه به اینکه شیاطین، جمع است، همه شیطانهای آشکار و پنهان،

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۰۸

انس و جن را شامل می‌گردد.
در تفسیر علی بن ابراهیم می‌خوانیم که امام (علیه السلام) در معنی آیه «قل رب اعوذ بك من همزات الشیاطین» فرمود: هو ما يقع فی قلبك من وسوسة الشیطان: «منظور از آن، وسوسه‌های شیطانی است که در قلب تو می‌افتد».

آنجا که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با داشتن مقام عصمت و مصونیت الهی چنین تقاضائی را از خدا می‌کند تکلیف دیگران روشن است، باید همه مؤمنان از پروردگار که مالک و مدبر آنها است بخواهند لحظه‌ای آنها را به حال خودشان وامگذارند نه تنها تحت تأثیر وسوسه شیاطین قرار نگیرند بلکه در مجلس آنها نیز حضور نیابند.
به این ترتیب همه رهروان راه حق باید به طور مداوم از القائنات شیطانی بر حذر باشند و همیشه خود را از این نظر در پناه او قرار دهند.

۲ - پاسخ بدی به نیکی!

یکی از مؤثرترین طرق مبارزه با دشمنان سرسخت و لجوج آن است که بدیها را به نیکی پاسخ دهند، اینجاست که شور و غوغائی از درون وجدان آنها برمی‌خیزد، و شخص بد کار را سخت تحت ضربات سرزنش و ملامت قرار می‌دهد، و در مقایسه او با طرف مقابل حق را به طرف می‌دهد، و همین امر در بسیاری از موارد سبب تجدید نظر دشمن در برنامه‌هایش می‌گردد.

در سیره پیشوایان و روش عملی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه هدی (علیهما السلام) بسیار دیده‌ایم که افراد یا جمعیت‌هایی را که مرتکب بدترین جنایات شده‌اند به نیکی پاسخ گفته و مشمول محبتشان ساخته‌اند، و همین سبب انقلاب و دگرگونی روحی و بازگشت

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۰۹

آنها به طریق حق گردیده. قرآن بارها - و از جمله در آیات فوق - این امر را به عنوان یک اصل در مبارزه بابتدیه‌ها به مسلمانان گوشزد می‌کند، و حتی در آیه ۳۴ سوره فصلت می‌گوید: «نتیجه این کار آن خواهد شد که دشمنان سرسخت، دوستان گرم و صمیمی شوند» (فاذا الذی بینک و بینہ عداوة کانه ولی حمیم). ولی ناگفته پیدا است که این دستور مخصوص مواردی است که دشمن از آن سوءاستفاده نکند، آن را دلیل بر ضعف نشمارد، و بر جرات و جسارتش افزوده نگردد.

و نیز مفهوم این سخن هرگز سازشکاری و قبول تسلیم در برابر و سوسه‌های دشمنان نیست، و شاید به همین دلیل بعد از بیان این دستور در آیات فوق بلافاصله به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داده شده است که از همزات و سوسه‌های شیاطین و حضور آنها به خدا پناه ببرد.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۱۰

آیه ۹۹-۱۰۰

آیه و ترجمه

حتى اذا جاء اءحدهم الموت قال رب ارجعون ۹۹
لعلی اءعمل صلحا فیما ترکت کلا انها کلمة هو قائلها و من ورائهم برزخ الی
یوم یبعثون ۱۰۰

ترجمه :

۹۹ - (آنها هم‌چنان به راه غلط خود ادامه می‌دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرا رسد می‌گوید: پروردگار من! مرا باز گردانید!
۱۰۰ - شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم (به اومی‌گویند) چنین نیست، این سخنی است که او به زبان می‌گوید (و اگر

باز گردد برنامه‌اش همچون سابق است) و پشت سر آنها برزخی است تا روزی که برانگیخته می‌شوند.

تفسیر:

تقاضای ناممکن!

در تعقیب بحث‌هایی که در آیات قبل پیرامون سرسختی مشرکان و گنهکاران در مسیر باطلشان گذشت، در آیات مورد بحث وضع دردناکشان را به هنگامی که در آستانه مرگ قرار می‌گیرند چنین توصیف می‌کند: آنها به این راه غلط خود همچنان ادامه می‌دهند تا هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا رسد (حتی اذا جاء احدهم الموت).

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۱۱

در این هنگام که خود را در حال بریدن از این جهان و قرار گرفتن در جهان دیگر می‌بینند، پرده‌های غرور و غفلت از مقابل دیدگان‌شان کنار می‌رود گوئی سرنوشت دردناک خویش را با چشم می‌بیند، عمر و سرمایه‌های از دست رفته و کوتاهی‌هایی را که در گذشته کرده و گناهانی را که مرتکب شده‌اند عواقب شوم آن را مشاهده می‌کنند، اینجا است که فریاد او بلند می‌شود و می‌گوید: ای پروردگار من! مرا باز گردانید! (قال رب ارجعون). مرا باز گردانید «شاید گذشته خود را جبران کنم و عمل صالحی در برابر آنچه ترک گفتم بجا آورم» (لعلی اعمل صالحا فیما ترکت). اما از آنجا که قانون آفرینش چنین اجازه بازگشتی را به هیچکس، نه نیکوکار و نه بدکار، نمی‌دهد، به او چنین پاسخ داده می‌شود «نه! هرگز راه باز - گشتی وجود ندارد» (کلا).

«این سخنی است که او به زبان می‌گوید» (انها کلمة هو قائلها). سخنی که هرگز از اعماق دلش با اراده و آزادی برخواسته است، این همان سخنی است که هر بدکاری به موقع گرفتار شدن در چنگال مجازات و هر قاتلی به هنگام دیدن چوبه دار می‌گوید و هر وقت امواج بلا فرو بنشیند باز همان برنامه سابق خود را ادامه می‌دهد.

این شبیه چیزی است که در آیه ۲۸ سوره انعام می‌خوانیم و لورد «و لعادوا لمانهوا عنه» (آنها اگر به حیات دنیا باز گردند باز به همان برنامه‌ها و روش خود ادامه می‌دهند).

و در پایان آیه، اشاره بسیار کوتاه و پر معنی به جهان اسرار آمیز برزخ کرده می گوید: «در پشت سر آنها تا روزی که برانگیخته می شوند برزخی وجود دارد» (و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون).

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۱۲

نکته ها:

۱ - مخاطب در جمله «رب ارجعون» کیست؟

با توجه به اینکه کلمه «رب» مخفف «ربی» به معنی «پروردگار من» می باشد، آغاز این جمله نشان می دهد مخاطب خداوند متعال است، ولی از آنجا که «ارجعون» (باز گردانید مرا) به صیغه جمع آمده، مخاطب نمی تواند خدا باشد، و جمع این دو تعبیر در جمله فوق سؤال انگیز شده است. جمعی از مفسران معتقدند که مخاطب خداوند است و ذکر صیغه جمع در اینجا به عنوان احترام و تعظیم است، که در زبان فارسی ما نیز معمول است به مخاطب واحد، هنگام احترام «شما» می گوئیم، ولی با توجه به اینکه این تعبیر در زبان عربی، مخصوصا در اعصار گذشته، رایج نبوده، و در قرآن نیز نمونه ای برای آن دیده نمی شود، ضعف این تفسیر روشن است. جمع دیگری از مفسران گفته اند مخاطب در واقع فرشتگان مرگ و قبض ارواحند، و گفتن کلمه رب یکنوع استغاثه به درگاه خدا می باشد که در سخنان روزمره ما نیز فراوان است که وقتی انسان در بحرانی سخت قرار می گیرد نخست به درگاه خدا استغاثه می کند و بعد از مردم یاری می طلبد و فریاد می زند: «ای خدا!! ای خدا!! مرا نجات دهید، به کمک من بشتابید».

این تفسیر صحیحتر به نظر می رسد.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۱۳

۲ - تفسیر جمله «فیما ترک»

در آیات فوق خواندیم که کافران در آستانه مرگ تقاضا می کنند که آنها را باز گردانند تا «در آنچه ترک گفته اند» عمل صالح انجام دهند. بعضی معتقدند «فیما ترک» در اینجا اشاره به اموالی است که از آنها به یادگار می ماند که در تعبیرات معمولی نیز از آن به «ترکه میت» تعبیر می شود.

حدیثی که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است شاهی بر این معنی است، آنجا که فرمود: من منع قیراطا من الزکوة فلیس بمؤمن و لا مسلم و هو قوله تعالی رب ارجعون لعلی اعمل صالحا فیما ترک: «کسی که قیراطی از زکات راندهد نه مؤمن است و نه مسلمان و سخن خداوند رب ارجعون...» نیز همین را می گوید.

در حالی که بعضی دیگر معنی وسیعتری برای آن قائلند و «ما ترک» را اشاره به تمام اعمال صالحی که ترک گفته می دانند، یعنی: خداوند! مرا باز گردان تا اعمال صالحی را که ترک کرده ام جبران کنم، و حدیثی که در بالا نقل کردیم چنانچه از قبیل بیان مصداق روشن باشد منافاتی با این تفسیر وسیع و جامع ندارد و با توجه به اینکه این گونه افراد از تمام فرصتهائی که از دست داده اند پیشیمان می شوند و میل دارند همه را جبران کنند، تفسیر دوم صحیحتر به نظر می رسد.

ضمناً تعبیر به «لعل» در جمله «لعلی اعمل صالحا» (شاید عمل صالحی انجام دهم) ممکن است اشاره به این باشد که این افراد آلوده و منحرف از وضع آئینده خود نیز اطمینان کامل ندارند و کم و بیش می دانند که این ندامت و پیشیمانی معلول شرائط خاصی است که در آستانه مرگ برای آنها پیدا شده است و ای بسا

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۱۴

اگر باز گردند همان روش گذشته را ادامه خواهند داد و حقیقت نیز همین است.

۳- «کلا» در اینجا چه چیزی را نفی می کند؟

«کلا» کلمه ای است که در لغت عرب برای منع و جلوگیری و ابطال گفتار طرف مقابل می آید، و در واقع نقطه مقابل «ای» (آری) است که برای تصدیق می باشد.

در پاسخ سؤال فوق بعضی گفته اند: «کلا» نفی تقاضای کفار برای بازگشت به زندگی دنیا است، یعنی: راه بازگشت بسته شده و به هیچوجه امکان پذیر نیست.

بعضی دیگر گفته اند که این کلمه برای نفی ادعای آنها است که می گویند اگر ما به دنیا باز گردیم گذشته را جبران خواهیم کرد، خداوند می گوید:

این یک ادعای بی اساس و تو خالی است و اگر آنها باز گردند برنامه همان برنامه پیشین است.

در عین حال هیچ مانعی ندارد که این کلمه اشاره به نفی هر دو معنی باشد. ذکر این نکته نیز لازم است که این تقاضا و جواب گر چه در آیه فوق تنها در مورد مشرکان ذکر شده ولی مسلم است که اختصاص به آنها ندارد، بلکه تقاضای همه گنهکاران و ستمگران و آلودگان است که با دیدن سر نوشت دردناک خود در آستانه مرگ از گذشته پشیمان می شوند و تقاضای بازگشت می کنند اما دست رد بر سینه آنها می زنند.

۴ - جهان برزخ چیست؟

عالم برزخ چه عالمی است؟ و کجا است؟ و دلیل بر اثبات چنین عالمی که در میان دنیا و عالم آخرت قرار دارد چیست؟

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۱۵

آیا برزخ برای همه است یا برای گروه معینی؟ و بالاخره وضع حال مؤمنان و صالحان و نیز کافران و بدکاران در آنجا چگونه است؟

اینها سؤالاتی است که در این زمینه وجود دارد و در آیات و روایات اشاراتی به آن شده است و لازم است تا آنجا که وضع این کتاب اجازه می دهد به پاسخ آنها بپردازیم.

واژه «برزخ» در اصل به معنی چیزی است که در میان دو شیء، حائل می شود و سپس به هر چیزی که میان دو امر قرار گیرد برزخ گفته شده است و روی همین جهت به عالمی که میان دنیا و عالم آخرت قرار گرفته، برزخ گفته می شود.

دلیل بر وجود چنین جهانی که گاهی از آن تعبیر به «عالم قبر» و یا «عالم ارواح» می شود از طریق ادله نقلیه است آیات متعددی از قرآن مجید داریم که بعضی ظهور و بعضی صراحت در این معنی دارد.

آیه مورد بحث (و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون) ظاهر در وجود چنین عالمی است، هر چند بعضی خواسته اند کلمه برزخ را در این آیه به معنی مانعی برای بازگشت به این دنیا معرفی کنند و گفته اند مفهوم آیه این است که پشت سرانسان مانعی است که او را از بازگشت به این جهان منع می کند، ولی

این معنی بسیار بعید به نظر می‌رسد، زیرا تعبیر به «الی یوم یبعثون» (تا روز رستاخیز) دلیل بر این است که این برزخ در میان دنیا و آخرت قرار گرفته، نه میان انسان و دنیا.

از آیاتی که «صریحا» وجود چنین جهانی را اثبات می‌کند آیات مربوط به حیات شهیدان است مانند و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون: «هرگز گمان نکن کسانی که در راه خدا کشته شدند

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۱۶

مردگانند آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند» (آیه ۱۶۹ سوره آل عمران).

در اینجا خطاب به پیامبر است، و در آیه ۱۵۴ سوره بقره خطاب به همه مؤمنان کرده می‌گوید: و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء و لكن لا تشعرون.

نه تنها در مورد مؤمنان عالیمقامی همچون شهیدان جهان برزخ وجود دارد بلکه درباره کفار طغیانگری همچون فرعون و یارانش نیز وجود برزخ صریحا در آیه ۴۶ سوره مؤمن آمده است:

النار یعرضون علیها غدوا و عشیا و یوم تقوم الساعة ادخلوا آل فرعون اشد العذاب: «آنها (فرعون و یارانش) هر صبح و شام در برابر آتش قرار می‌گیرند و به‌هنگامی که روز قیامت بر پا می‌گردد فرمان داده می‌شود آل فرعون را در شدیدترین کیفرها وارد کنید.

بعدها

فرست

قبل